

رستگاری در صد و اندی صفحه!

مریم محمدخانی

می گفتند: این کار کلاس پنجمی هاست! لارسن باعث شده که آن‌ها این قدر خوب کار کنند! فوق العاده است!»

فریندل، نامی است که نیک به جای خودکار اختراع می‌کند. او هم مانند کارا، در کلاس پنجم درس می‌خواند و می‌خواهد در مبارزه با معلم سختگیر ادبیات کلمه خودش را وارد فرهنگ لغت کند. در این کتاب هم مانند خبر لندری دانش‌آموزی وجود دارد که در مقابل قوانین مدرسه قرار گرفته. با این تفاوت که در خبر لندری کارا، در کنار معلمش قرار دارد و از او در برابر مدیر مدرسه حمایت می‌کند، اما در فریندل نیک گمان می‌کند معلمش قصد دارد با خلاقیت او مبارزه کند. در فصل انتهایی، نیک در می‌یابد که این مقابله، بخشی از آموزش خلاق خانم گرینجر بوده است.

در خبر لندری، کارا با جسارتی که در نوشتن دارد سعی دارد حقایق اطرافش را در روزنامه‌اش منعکس کند، در فریندل هم با نیک روبه‌رو می‌شویم. پسری جسور که سعی می‌کند عناصری را که در محیط پیرامونش نمی‌پسندد تغییر دهد.

«آیا نیک بچه شیطان و خرابکاری بود؟ مشکل بتوان گفت. اما از یک چیز می‌توان مطمئن بود، این‌که نیک ایده‌های زیادی در سر داشت و می‌دانست با آن‌ها چه کار کند.»

پس طرح هر دو کتاب تا حدودی شبیه هم هستند. حتی نقطه اوج هر دو کتاب هم به یکدیگر شباهت دارد. جسارت‌های نیک و کارا، باعث به هم ریختن مدرسه می‌شود. در این میان پای تلویزیون محلی هم به ماجرا باز می‌شود و هم کلمه اختراعی «فریندل»، هم خبر لندری در صدر اخبار روز قرار می‌گیرند. جسارتی که کارا و دوستانش در تهیه خبر لندری به خرج می‌دهند، باعث می‌شود تا آقای لارسن در معرض خطر اخراج از مدرسه قرار بگیرد. آن‌ها به خاطر داستانی که در مورد طلاق چاپ کرده‌اند از سوی مدیر مدرسه مورد مواخذه قرار می‌گیرند، داستانی که روایت‌گر مشکلات یکی از دانش‌آموزان مدرسه بعد از جدایی پدر و مادرش است.

در فریندل هم دانش‌آموزان با قانونی رو به رو هستند که خانم گرینجر وضع کرده: آن‌ها حق استفاده از کلمه اختراعی «فریندل» را ندارند، استفاده از این لغت مساوی با تنبیه‌های سخت است.

مردم از طریق روزنامه‌ها و تلویزیون در جریان اخبار این دو مدرسه قرار می‌گیرند و خبرنگارانی به مدرسه‌ها می‌آیند تا از ماجرا گزارش تهیه کنند. حضور تلویزیون و خبرنگاران در فریندل با اغراق بیشتری رو به‌روست که گاه باورناپذیر می‌نماید: اقبال رسانه‌های جهانی به کلمه‌ای مثل «فریندل»، تا حدی که باعث می‌شود محصولات مختلفی در کشورهای مختلف با این نام تولید شوند!

خبر لندری. اندرو کلمنتس. ترجمهٔ مرجان ظریف صنایعی و افسانه سلیمی مختاری. تهران: دیپایه، ۱۳۸۸. ۱۷۸ ص. ۳۴۰۰۰ ریال.

فریندل. اندرو کلمنتس. ترجمهٔ مرجان ظریف صنایعی و افسانه سلیمی مختاری. تهران: دیپایه، ۱۳۸۸. ۱۱۸ ص. ۲۴۰۰۰ ریال.

شاید بهتر باشد یادداشت‌ها را با این توضیح شروع کنم که چرا تصمیم گرفتم خبر لندری و فریندل را در یک یادداشت واحد بررسی کنم. وجه مشترک این دو رمان نوجوان، به جز نویسنده و مترجم‌های یکسان، محیط مدرسه است. بستر حوادث در هر دو داستان مدرسه است. یک طرف شاگردانی خلاق قرار دارند که محیط رسمی و خشک آموزشی را بر نمی‌تابند و می‌خواهند در اطرافشان تغییر ایجاد کنند، و در طرف دیگر قوانینی هستند که برای آن‌ها دردسر ایجاد می‌کند.

مدرسه و مسائل پیرامون آن، یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در ادبیات کودک و نوجوان به آن پرداخته می‌شود. اگر از خانواده بگذریم، مدرسه اولین نهاد اجتماعی است که کودک به طور مستمر با آن رو به رو می‌شود و ارتباط با گروه همسالان از مهم‌ترین موضوعاتی است که در مدرسه شکل می‌گیرد.

تمرکز این دو کتاب بر این موضوع است که مدرسه می‌تواند محلی برای پرورش خلاقیت نوجوان باشد. او فرصت دارد در مدرسه با آزمون و خطا پیش برود، تجربه کند، درس بگیرد و برای زندگی در نهادهای اجتماعی بزرگ‌تر آماده شود.

خبر لندری، نام روزنامه‌ای است که کارا لندری، دانش‌آموز کلاس پنجم در مدرسه‌اش منتشر می‌کند. این روزنامه مدرسه را زیر و رو می‌کند و اتفاقات کتاب را رقم می‌زند. آقای لارسن – معلمی که خبر لندری زیر نظر او منتشر می‌شود – معلمی است که در طول زمان تبدیل به شخصیتی منفعل شده، در طول کلاس دانش‌آموزان را به حال خودشان می‌گذارد و ترجیح می‌دهد به جای تدریس و بحث در کلاس درس، روزنامه‌اش را بخواند و قهوه بخورد. اما خبر لندری زندگی او را نیز عوض می‌کند و بعد از مدت‌ها تبدیل به معلمی پویا و اثرگذار می‌شود:

«اما با خبر لندری نظر همه دوباره به او جلب شده بود. همهٔ معلم‌ها دیده بودند که چه‌زود هفته‌نامه از یک صفحه به دو و بعد به سه و چهار صفحه گسترش پیدا کرده بود. آن‌ها کیفیت نوشته‌ها را می‌دیدند و با تعجب و تحسین آن را به دست هم می‌دادند و

خواننده متقاعد نمی‌شود که چرا پسری که تصمیم گرفته به جای لغت خودکار از کلمه اختراعی خودش استفاده کند، تا این حد مورد استقبال جهانیان قرار می‌گیرد؟ او اهل یک شهر کوچک در امریکا است اما از طریق شهری که به خاطر کلمه «فریندل» به دست آورده ثروتمند می‌شود. محصولاتی که نام «فریندل» بر روی آن‌ها نقش بسته حتی در ژاپن نیز به فروش می‌رسند.

نکته دیگر پایان قابل پیش‌بینی هر دو کتاب است. از همان فصل‌های اول روند داستان قابل حدس است. با توجه به چگونگی اتفاقات و طرح قصه، خواننده می‌تواند حدس بزند که تمام درگیری‌هایی که در طول کتاب برای شخصیت‌ها رخ می‌دهد به پایانی خوش ختم خواهد شد؛ پایانی که در آن قهرمانان رستگار می‌شوند! هیچ معلم و دانش‌آموزی از مدرسه اخراج نمی‌شود و تمام جنجال‌ها به پایان می‌رسد.

شاید این پایان خوش برای این باشد که نوجوانان خواننده به خلاقیت و نوآوری تشویق شوند و از تجربه کردن نترسند.

برای تشویق خواننده به همراهی با قهرمانان کتاب و سهیم شدن در جسارت‌های آن‌ها، شخصیت‌پردازی قوی لازم است. شخصیت‌هایی که خواننده آن‌ها را حس کند، با آن‌ها همذات‌پنداری کند، از شکست‌هایشان بترسد و از پیروزی‌هایشان خوشحال شود. اما در این دو کتاب، خواننده خیلی به نیک و کارا نزدیک نمی‌شود و تمام وجوه شخصیت آن‌ها را نمی‌بیند. برای مثال می‌شد بیشتر و عمیق‌تر به روابط این دو شخصیت و خانواده‌هایشان پرداخت.

اندرو کلمنتس پس از چاپ تعدادی کتاب مصور، فریندل را نوشته است، و صحنه بسیاری از رمان‌های او، مانند همین دو کتابی که در این یادداشت بررسی شده، مدرسه است. فریندل بیش از سی و پنج جایزه برای اندرو کلمنتس به ارمغان آورده است که از میان آن‌ها می‌توان به جایزه کریستوفر اشاره کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

